



۱۴ نوامبر، ۲۰۲۲

داکتر عبدالرحمن زمانی

خروج آلمانی ها در دوران جنگ جهانی و سیاست دوپهلوی رژیم خاندانی نادرشاه

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

زدوبند های پشت پرده و سیاست دو پهلوی:

با رسیدن حزب نازی آلمان به قدرت و تأثیرگذاری اش در سیاست بین المللی، رژیم خاندانی نادرشاه نیز برای حفظ و بقای سلطه خویش در پهلوی اتکا و روابط مخفی با انگلیس ها، با آلمان نیز به معاملات آشکار اقتصادی و زدوبند های پشت پرده سیاسی پرداخت. درین سیاست دو پهلوی، با تقسیم وظایف در داخل خاندان، هاشم خان صدراعظم وظیفه حفظ روابط با انگلیس ها و دو برادر زاده اش، سردار داؤد خان و سردار نعیم خان به همکاری و رهنمایی عبدالمجید خان زابلی وظیفه انکشاف روابط با آلمان را به پیش میبردند.

وقتی آتش جنگ شعله ور شد، هم مردم افغانستان و هم رژیم خاندانی فکر می کردند که قدرت های محور (آلمان، ایتالیا و جاپان) پیروز خواهند شد. «در ماه جولای ۱۹۴۰ سفیر آلمان مقیم کابل به حکومت خود راپور داد که وزیر اقتصاد افغانستان [عبدالمجید خان زابلی- زمانی] به وی وانمود کرده است که افغانستان آماده است تا از تمام امکاناتش جهت علایق و اهداف آلمان استفاده نموده و اقوام سرحد را علیه بریتانیا تحریک کند. درین صورت بریتانیا مجبور خواهد شد قوای عظیمی را که می خواهد به جبهه جنگ در مدیترانه سوق دهد، در هند نگهدارد. وزیر اقتصاد افغانستان وعده داد که او حکومت افغانستان را به قبول این روش و پالیسی میکشاند به شرطی که آلمان شرایط آتی را برای افغانستان تأمین و تضمین کند: (- ۱ تضمین تمامیت ارضی افغانستان از طرف روسیه، ۲- راه یافتن به بحر، ۳ - گذاشتن طیارات، تانکها و وسایل ضد طیاره بدسترس افغانستان). (آدمک،

روابط خارجی افغانستان تا اواسط قرن بیست، ص ۲۴۵ به حواله اسناد آرشیف وزارت خارجه آلمان، امور عمومی افغانستان، سپتمبر ۱۹۳۹ تا ۴۲).

به تعقیب آن رژیم خاندانی به تاریخ ۱۷ ماه اگست ۱۹۴۰ برای باقی ماندن اتباع آلمان به مشاغل سابق شان رسماً بیطرفی خود را در جنگ جهانی دوم اعلان کرد.

«در فبروری ۱۹۴۱ عبدالمجید خان یکبار دیگر برای یک عملیات صحی وارد آلمان شد و در عین حال راجع به مسایل تجارتي و سیاسی با مقامات آلمانی به مذاکرات پرداخت. با آنکه او سخت بیمار بود، اما هدف اصلی اش درمان نه، بلکه گفتگو به مقصد به دست آوردن توافق آلمان به سپردن همه ساحات قبایل پشتون به افغانستان در صورت پیروزی در جنگ بود. او همچنان می بایست کار های دیپلماتهای افغانستان در اروپا و امریکا را هماهنگ می گردانید. علاوه بر این، رژیم خاندانی به او در زمینه یک وظیفه خاصی را سپرده بود تا به هر بهایی که شده، سرمایه های خانواده یحیی خیل را از آلمان بیرون کشیده و به امریکا انتقال دهد. همه این ها، زابلی را نسبت به وزیر خارجه، شخصیت بس با نفوذتری در دولت افغانستان ساخته بود.» (آدمک، روابط خارجی افغانستان تا اواسط قرن بیست، ص ۲۴۵ به حواله اسناد آرشیف وزارت خارجه آلمان، امور عمومی افغانستان، سپتمبر ۱۹۳۹ تا ۴۲)؛ همچنان (Hauener M. India in Axis Strategy. Germany, Japan and Indian Nationalists in the Second World War. Stittgart, ۱۹۸۱. P. ۳۲۴).

«قبل از رسیدن او [زابلی] به برلین، آلمانی ها از بررسی ادعاهای ارضی افغانستان سر باز می زدند. مگر اکنون دیگر هنگامی که کشورهای محور در پی بر افروختن آتش آشوب در سرحدات شمال غربی هند افتاده بودند، آلمانی ها تصمیم گرفتند این خواهش را برآورده سازند و موافقت نمایند تا رود سند [اباسین] سرحد آینده افغانستان باشد. به تاریخ ۱۲ مارچ ۱۹۴۱ ریبنترپ وزیر امور خارجه آلمان به همه تقاضاهای زابلی در این زمینه موافقت نمود.

در برابر آن، آلمان کوشید پشتیبانی کابل را در پیشبرد اقدامات ویرانگرانه کشورهای محور در نوار قبایل پشتون هند بریتانوی به دست بیاورد. ارنست وایتسزکر- سکرتر وزارت خارجه- به زابلی پیشنهاد نمود که افغانستان بیطرف مانده و انتقال آزاد جنگ افزارهای ساخت آلمان را به نوار قبایل آزاد هند بریتانوی اجازه بدهد. حکومت افغانستان همچنان می بایستی به رساندن یک ستیشن فرستنده امواج کوتاه مساعدت نماید و به آلمانی ها اجازه دهد پنهانی از رادیو کابل استفاده نمایند. زابلی از بررسی این مسایل خود داری ورزید و اعلام نمود که «امور قبایل مستلزم تجربه بزرگی است. در

غیرآن، ممکن است سلاح‌ها به دست کسان دیگری بیفتند». (تیخونوف، د محمد طاهر کانی ژباړه ، ۲۰۰۴). د جرمني امپراتوری افغانی جگړه - جرمني پوځي څارگری د شوروي څارگری پر وړاندې، ۱۵۸-۱۵۹ مخونه؛ و نبرد افغانی استالین سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان، و قبایل پشتون، ترجمه ایانفر، به حواله پرونده های سیاست خارجی آلمان ۱۹۱۸-۱۹۴۵. Sierie D. Bd. ۱. Xii. بن، ۱۹۶۹. ص ۲۳۳).

در تنگنا قرار گرفتن رژیم خاندانی:

رژیم خاندانی با زدوبند های پشت پرده و سیاست دو پهلویش تلاش می‌ورزید دو تربوز را در یک دست نگهدارد. هاشم خان رهبر رژیم از یکطرف میدانست که دیگر وضع بین المللی بعد از هجوم آلمان به دنمارک، ناروی و بلجیم و شکست فرانسه و حمله بر روسیه به نفع آلمان تغیر یافته بود، و اگر امپراتوری بریتانیا شکست بخورد، رژیم خاندانی نیز سقوط میکند، و از طرف دیگر او ازین هم ترس داشت که اگر اقوام پشتون سرحد آزاد به مقابل انگلیس ها قیام کنند، پشتون های داخل افغانستان نیز قیام خواهند کرد. او که نگران سرنوشت رژیم خاندانی اش بود، در تنگنا قرار گرفته و به وقت بیشتر و روشن شدن وضعیت جنگ نیاز داشت، لذا نخواست قبل از وقت مناسبانش را با انگلیس ها خیره سازد. درین راستا او برای خوشنودی انگلیس ها با وجود اصرار پیگیر، سفیر آلمان، به تقرر آتشه نظامی آلمان در سفارت کابل موافقه نکرد، مانع تلاش های آلمان در مسدود ساختن داروخانه سفارت انگلستان که بهانه خوبی برای رفت و آمد آزادانه ایجنت های افغان به آن سفارت بود، شد، و به وزیر داخله اش هدایت داد تا مأمورین استخبارات آلمان را تحت نظارت گرفته و در صورت لزوم توقیف کنند.

آلمان در سرطان ۱۳۲۰ (جون ۱۹۴۱) به روسیه حمله کرد و روسیه که تا آن وقت متحد جرمنی بود، اکنون به حیث متحد انگلیس بر علیه جرمنی در جنگ شامل شد. گرچه بعد از حمله آلمان به روسیه ترس حمله روس به افغانستان از میان رفت، اما سبب یک تحول آنی در پالیسی رژیم خاندانی شد. یک علت این تحول ناتوانی آلمان در دفاع از حملات قوای انگلیس بر سوریه و عراق و رشید علی بود و علت دیگر آن هجوم مشترک ماه سنبله ۱۳۲۰ (اگست ۱۹۴۱) انگلیس و روس به ایران، که آنرا در میان خود تقسیم کردند.

لذا از یکسوهراس تطبیق وضعیت ایران (خلع و اخراج رضا شاه) در افغانستان و از سوی دیگر اوج شدت نفرت افغان ها نسبت به انگلیس و روس و همدردی با آلمان، رژیم خاندانی را در تنگنا قرار داد.

وضعیت خراب اقتصادی کشور، قلت مواد غذایی و تیل و محدود شدن امکانات ترانزیت مواد تجارتي با آلمان از طریق روسیه، که در انحصار شرکت هایی که هاشم خان در آن سهم داشت، عواملی دیگری بود که رژیم خانوادگی را واداشت تا بر روابط و تعهداتش به آلمان تجدید نظر کند. لذا بی جهت نبود که علی محمد خان وزیر خارجه افغانستان به سفیر آلمان مقیم کابل گفت که «این حقیقت که روسیه و بریتانیا با هم متحد شده اند، وضع صحنه سیاسی جهان را بکلی تغییر داده است. افغانستان اکنون نمیتواند هیچ یک از همسایگان خود را مشتعل سازد و به عبارت کوتاه وزیر خارجه افغانستان مطلب را چنین افاده کرد (اکنون حکومت افغانستان نه طرفدار آلمان و نه طرفدار بریتانیا است، بلکه محض طرفدار [بقای رژیم خاندانی] افغانستان است). بعد از این مذاکرات وزیر خارجه با سفیر آلمان، رژیم خاندانی مانع فعالیت های سیاسی آلمان در سرحدات آزاد و رساندن کمک به میرزا علی خان مشهور به فقیر ایپی رهبر رزمندگان وزیرستان به مقابل انگلیس ها شد». (ادمک، روابط خارجی افغانستان تا اواسط قرن بیست، ص ۲۴۷).

تشویش انگلیس ها از ناحیه موجودیت آلمانی ها:

تشویش انگلیس ها از موجودیت تعداد زیادی از آلمانی ها در افغانستان، قبل در آستانه جنگ جهانی دوم در دوران ملاقات مخفیانه رئیس استخبارات و مارشال هوئی با هاشم خان مطرح شد. انگلیس ها نگران بودند که در صورت وقوع جنگ، از آنها برای تغییر حکومت در کابل و نقش اساسی در تحریک قبایل سرحد آزاد استفاده شده میتواندست. (اسناد آرشیف انگلستان، اسناد مربوط به دفاع از افغانستان و تهدید خارجی از روسیه، راپور شدیداً محرمانه جی ایم ایوارت J. M. Ewart رئیس دفتر استخبارات حکومت هند بریتانوی، ۲۹ ماه اگست ۱۹۳۹).

از آغاز حمله جرمنی بر اتحاد جماهیر شوروی آوازه هایی در کابل پخش گردید که متحدین حکومت افغانستان را مجبور مینماید تا تمام اتباع آلمان را که در پروژه های مختلف استخدام شده اند، اخراج نماید.

در ماه جولای ۱۹۴۱ پیلگر سفیر المان در کابل به برلین از گفتگوی اش با سفیر ترکیه اطلاع داد که تمایل دارد تا خانها و اطفال ترکی را به وطن خود اعزام دارد. سفیر آلمان از برلین پرسید که اگر همچو عملی مطلوب باشد او هم در زمینه اقداماتی مینماید. دفتر امور خارجه آلمان موضوع

را به قضاوت پیلگر واگذار شد. اما قبل از آنکه سفیر به تصمیم نهائی خود برسد، انکشاف جدیدی رخ داد که تخلیه افغانستان برای آلمان ها ناممکن شد. در ۲۵ و ۲۹ آگست سال ۱۹۴۱ م (۱۳۲۰ ش) بریتانیا و شوروی بر ایران هجوم بردند و بنابراین جرمنهایی که در افغانستان بودند به دام افتادند و راه عبور و خروج آنها از طریق کشور های بی طرف بسته شد. (ادمک، روابط خارجی افغانستان تا اواسط قرن بیست، ص ۲۴۷).

به رویت اسناد استخبارات انگلیس در آرشیف انگلستان، قبل از بسته شدن راه ایران تعدادی از آلمانی ها میخواستند افغانستان را به مقصد آلمان ترک گویند و درخواست ویژه ترانزیت از راه ایران و ترکیه را داده بودند. (خلاصه راپور هفته وار شماره ۳۲ مؤرخ ۱۲ آگست سال ۱۹۴۱ مرکز استخبارات عمومی ایالت شمال غربی و افغانستان)

اقدامات رژیم خاندانی علیه آلمانی ها:

به اساس اسناد استخبارات انگلیس در آرشیف انگلستان حکومت افغانستان در اواخر ماه آگست قیودات شدیدی را بر نقل و حرکت آلمانی های مقیم کابل وضع نموده و پهره های پولیس افغان خانه های دوتن داکتر شیفر و فرینکمن را که از رهبران نازی ها در کابل شمرده میشدند، تحت مراقبت گرفت. (همانجا، راپور هفته وار شماره ۳۵ مؤرخ ۵ ماه سپتمبر مرکز استخبارات عمومی ایالت شمال غربی و افغانستان)

«با رسیدن فرانسویس ویلی، سفیر جدید انگلیس به کابل، وضع وخیم و ترس آلمانی ها بیشتر شد. علی محمد خان وزیر خارجه به پیلگر سفیر آلمان گفت که وی [سفیر جدید انگلیسها] بدون شک و شبه تقاضای کشیدن آلمانی ها را مینماید. علی محمد خان وعده داد که در صورت بسته شدن راه ایران او موضوع را از راه دیپلوماتیک حل و فصل میکند. وزیر خارجه این دواى تلخ را قدری شیرین ساخته و گفت که حکومت او میخواهد درین فرصت از جنگ خودداری کند، زیرا میخواهد منابع کشور را برای عملیات نظامی آینده بحیث متحد آلمان حفظ کند[؟]. برلین به سفیر آلمان هدایت داد که در صورتیکه افغانستان به فشار متحدین تسلیم شود، در بدست آوردن راه آزاد برای عبور آلمانها اصرار ورزد. پیلگر به ناچار به حکومت افغانستان به صورت محرمانه هوشدار داد که " باید آینده را در نظر داشت که بدون شک نظر به وضع موجود به شکل دیگری جلوه گر خواهد شد". (ادمک، صفحات ۲۵۵ و ۲۵۶).

ترس و آمادگی رژیم خاندانی برای بقایش:

در گزارش اوایل ماه سپتامبر ۱۹۴۱ آرشیف انگلستان راجع به وضعیت افغانستان در آن مقطع زمانی میخوانیم که «اکثریت مردم در حال حاضر زمامداران یحیی خیل را خوش ندارند و دادن امتیاز به متحدین، بخصوص شوروی، که تا حال دشمن عمده اسلام تلقی میشود، را نخواهد پذیرفت» در همین گزارش راجع به وضعیت داخلی افغانستان آمده است که «با وجود نفرت طبقات مختلف از رژیم [خاندانی] در حال حاضر امکان ساختن یک جبهه متحد عناصر ناراضی و مخالف و یا پیدا کردن یک رهبری که مردم را برای انقلاب بسیج کند، کمتر بنظر میرسد». (اسناد آرشیف انگلستان، راپور هفته وار شماره ۳۶ مؤرخ ۱۲ ماه سپتمبر مرکز استخبارات عمومی ایالت شمال غربی و افغانستان).

در گزارش بعدی آمده است که «حکومت یحیی خیل شدیداً میکوشد پشتیبانی اقوامی را حاصل کند که در صورت مورد حمله قرار گرفتن افغانستان از آن دفاع کنند. ظاهر شاه و صدراعظم هردوی شان اخیراً در جرگه سران اقوام ولایات مشرقی و جنوبی وضعیت خطرناک کشور را توضیح داده و از آنها خواستند تا بمقابل تجاوز متحد شوند. محمد داؤد خان قوماندان قول اردوی کابل و پسر کاکای شاه هم در بیانیه اش به عساکری که دوره عسکری شان ختم شده بود، به نکات شبیه اشاره نموده است». (همانجا، شماره ۳۷ مؤرخ ۱۸ ماه سپتمبر)

در گزارش اواخر ماه سپتمبر آمده است که «استعفای شاه ایران سبب کدام عکس العمل آشکار نشده ولی شاید اعضای منفور خاندان شاهی افغانستان را به فکر بی ثباتی موقف خودشان انداخته باشد. در هفته گذشته شاه و صدراعظم ملاقات های بیشتری با رهبران قومی داشته، به والی ولایت جنوبی هدایت داده شده تا با اقوام مربوطه از ملایمت کار گرفته و به بادشاه گل هم وظیفه داده شده است تا با بخش های ناراض قوم مهمند در تصفیة ناآرامی های اخیر سرحد کمر از شرایط بسیار آسان کار بگیرد. علاوه برین تلاش ها، برای محبوب ساختن اداره یحیی خیل به اقداماتی ادامه میدهد تا اساس اقتصاد کشور را استقرار بخشد.»

در همین گزارش راجع به اتباع محور آمده است که «مقررات کنترل حرکات آلمانی ها در افغانستان سخت تر شده و گفته میشود که حکومت تمام اتباع آلمانی را به کابل فراخوانده است. آلمانی ها برای آینده شان پریشان بوده اوراق شان را سوختانده و اشیای شخصی شانرا یا فروخته و یا هم بسته بندی نموده اند.»

درین گزارش تعداد دقیقتر آلمانی ها و ایتالوی ها در ضمیمه الف قرار آتی ذکر شده است:

آلمانی ها جمعا ۱۸۳ نفر شامل ۱۰ نفر کارمندان سفارت، ۱۲ نفر کارمند در مکاتب افغانی، ۲۵ نفر متخصص استخدام شده توسط حکومت، ۸ نفر داکتر و غیره، ۳۰ نفر نماینده مؤسسات آلمانی، ۳ نفر بیکار، ۶۱ خانم و ۳۴ طفل.

ایتالوی ها جمعا ۴۳ نفر شامل ۷ کارمند سفارت، ۹ متخصص تکنیکی، ۱۰ خانم و ۱۷ طفل. (همانجا، شماره ۳۸ مؤرخ ۲۶ ماه سپتمبر ۱۹۴۱).

تقاضای خروج آلمانی ها و ایتالوی ها از هاشم خان:

«بتاریخ ۹ ماه اکتوبر ۱۹۴۱ سفیر انگلیس ها از در یک دیدار با هاشم خان از او خواست تا در مدت یک ماه تمام اتباع غیر رسمی کشور های محور را از افغانستان اخراج کند، چون حالا تنها چند نفر معدود آنها شغل مشروع داشته و اینکه آنها از خاک افغانستان برای فعالیت های علیه بریتانیا و روسیه استفاده میکنند. صدراعظم در جواب به سفیر گفت که می خواهد این معضله را به شیوه خودش و در وقت خودش حل و فصل نماید. اگر بریتانیا درین باره اصرار میورزند، وی باید از کابینه و پارلمان طالب مشوره شود. دو روز بعد سفیر روسیه نیز به نمایندگی از اتحاد جماهیر شوروی عین تقاضا را تکرار کرد». (همانجا، شماره ۴۲ مؤرخ ۲۴ ماه اکتوبر ۱۹۴۱).

تیخانف به استناد اسناد آرشیف اتحاد شوروی مینویسد که «سفیر انگلیس از نتیجه مذاکراتش با صدراعظم هیچ خوش نبود و در شب همان روز به میخایلوف، سفیر روسیه، روشن ساخت که سپردن این مسئله به پارلمان یک چال صدراعظم بود که می خواهد که "انگلیس ها را با خطر قیام اقوام بترساند". اما اصرار صدراعظم کارش را کرد و آن اینکه لندن از تقاضای بسته کردن سفارت های آلمان و ایتالیا منصرف شد. چند ماه بعد مأمورین هند بریتانوی از گذشت شان سخت پشیمان بودند... سفیر روسیه به مسکو اطلاع داده بود که "هاشم خان با این گفته اش که او لویه جرگه را دعوت میکند، نتوانست ما را بترساند چون او میدانست که ما در مبارزه تعیین شده خود به مقابل تهدیدات فاشیستی از بحث ملی هراسی نداریم». (تیخونوف، د محمد طاهر کانی ژباړه، (۲۰۰۴). د جرمني امپراتوری افغانی جگړه - جرمني پوځي څارگری د شوروي څارگری پر وړاندې، ۲۲۸-۲۲۹ مخونه).

«صدراعظم بتاریخ ۱۳ اکتوبر سفیر انگلیس را برای مذاکرات بیشتر درین زمینه دعوت کرد. درین ملاقات صدراعظم از سفیر خواست که آیا اخراج اتباع محور تنها خواست بریتانیا از کشورش میباشد؟ سفیر انگلیس اطمینان داد که او قصد توسعه راه ترانزیت به روسیه از طریق افغانستان را بدون همکاری افغانها ندارد؛ این اطمینان بعد از آن بصورت تحریری هم داده شد و گفته شد که

بریتانیا زمینه انتقال مصئون و مصارف انتقال تمام آلمانی ها و ایتالوی ها را از خاک افغانستان تا از طریق هند به مناطق تحت کنترول قوای محور آماده خواهد ساخت». (اسناد آرشیف انگلستان، راپور هفته وار شماره ۴۲ مؤرخ ۲۴ ماه اکتوبر مرکز استخبارات عمومی ایالت شمال غربی و افغانستان).

«در بعد از ظهر ۱۷ ماه اکتوبر وزیر خارجه افغانستان به سفرای هردو کشور آلمان و ایتالیا اطلاع داد که اتباع غیر دیپلومات هردو کشور باید به سرعت و خاموشانه خااک افغانستان را ترک کنند. او ادامه داد که تاریخ حرکت آنها به بریتانیا مربوط است که چقدر زود میتواند آنها را بپذیرد... در همان روز به سفیر روسیه گفته شد که به اتباع غیر دیپلومات محور گفته شده است که در مدت یک ماه افغانستان را ترک کنند، در حالیکه حکومت افغانستان هیچ دلیلی را ندارند که فکر کند آنها به مقابل روسیه توطئه چیده باشند... در همین راپور آمده است که «در ملاقات ذکر شده قبلی احساس میشد که صدراعظم میخواهد از بازی تلف کردن وقت کار بگیرد، اما بزودی روشن شد که ترسید تا مبدا بریتانیا و شوروی تقاضای شانرا از طریق زور عملی کنند». (همانجا)

«بعد از اعلان تصمیم حکومت افغانستان در رابطه با اخراج آلمانی ها و ایتالوی های غیر دیپلومات به تاریخ ۱۷ اکتوبر از طریق رادیو ستیشن کابل، صدراعظم و وزیر خارجه افغانستان تقاضای مراعات های کوچک شانرا آغاز کردند که هدف شان احتمالا تظاهر و عشق پاک حکومت شان به استقلال و بی طرفی افغانستان بود». (همانجا)

به تاریخ های ۳۰-۳۱ ماه اکتوبر سال ۱۹۴۱ تمام اتباع آلمانی و ایتالوی از افغانستان اخراج شدند. «در عین زمان به سفیر انگلیس اطلاع رسید که جرگه بزرگ ملی که بنام لویه جرگه یاد میشود، برای هفته اول ماه نومبر ۱۹۴۱ در کابل فراخوانده شده است.

(پایان)